

حضرت علی (ع) می فرماید: «الْعَدْلُ يَصْنَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»: اگر هر امر و هر چیزی را سر جای خود قرار دهیم، از آن عدالت بر می خیزد (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

عدالت اقتصادی به معنای توزیع عادلانه فرصت های اقتصادی و درآمد در جامعه است. اما در سال های اخیر، معنایی جدید و کاربردی از عدالت اقتصادی شکل گرفته است. در مفهوم جدید، عدالت اقتصادی در کنار توسعه اقتصادی، برای کاهش تفاوت های اقتصادی بین لایه های گوناگون جامعه و ایجاد فرصت های برابر اقتصادی می کوشد. در این راستا، سیاست هایی مانند توسعه بخش های فقیرتر جامعه، افزایش توانمندی های اقتصادی و آموزشی افراد، ارتقای سطح زندگی و حقوق اجتماعی و اقتصادی، و توزیع منابع به شکل عادلانه، به عنوان بخشی از عدالت اقتصادی جدید مطرح می شوند. اهتمام به بسط عدالت اقتصادی به معنای تلاش برای حفظ توازن در توزیع ثروت و فرصت های اقتصادی در جامعه است. بنابراین، باید بر اصلاح و بهبود سیاست های اقتصادی تمرکز کرد تا بتوان به توزیع عادلانه تری از ثروت و منابع اقتصادی در جامعه دست یافت. برای مثال، سیاست هایی مانند اصلاح نظام مالیاتی، تنظیم حداقل حقوق و تسهیلات بهداشتی و درمانی می توانند در رسیدن به اهداف بسط عدالت اقتصادی مؤثر باشند (Schneider, Kallis & Martinez-Alier, 2010: 511-518).

ایجاد فرصت های شغلی برای کارآفرینان و استقرار صنایع جدید می تواند به ایجاد فرصت های شغلی برای افراد کم درآمد کمک کنند و تفاوت درآمدی در جامعه بکاهند. توسعه و ارتقای فناوری های نوین و نظام های اطلاعاتی و ارتباطی نیز در راستای بسط عدالت اقتصادی مهم است (Guo, Huang, Liu & Xiang, 2018: 2389-2406).

این روزها با پیشرفت فناوری، فرصت های جدیدی برای کسب و کارها و کارآفرینان به وجود آمده اند که می توانند شرایط اقتصادی جامعه را بهبود بخشند. در این راستا، باید سیاست هایی را اجرا کنیم که فناوری های نوین را توسعه دهند و زیرساخت های فنی و ارتباطی را ارتقا بخشند.



عکاس: سعید رضا مقصدی

از جمله مثال های کاربردی برای بسط عدالت اقتصادی می توان به این راهکارها اشاره کرد:

۱. ارائه تسهیلات مالی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط: این اقدام می تواند به ایجاد فرصت های شغلی در مناطق گوناگون و برای افراد با درآمد کم کمک کند.
۲. پیاده سازی سیاست های دولتی برای تنظیم بازار کار: این سیاست ها می توانند شامل ایجاد پوشش های آموزشی برای کسب مهارت های لازم، تنظیم شرایط کاری مناسب و ایجاد مزایای سازمانی برای مشاغل باشند.
۳. تحقق توزیع منصفانه ثروت: برای توزیع منصفانه ثروت، سیاست های مالی مانند تعدیل درآمدی و مالیات برای افراد با درآمد بالا، تحقیق در بخش های اقتصادی و توسعه سرمایه های اجتماعی مثل بهداشت، آموزش و امنیت پایدار انجام پذیرند.
۴. ایجاد فرصت های برابر برای دسترسی به خدمات اساسی: برای بسط عدالت اقتصادی باید فرصت های برابر برای دسترسی به خدمات اساسی مانند آب، برق، بهداشت و آموزش برای همه اعضای جامعه فراهم شود. این راهکارها نیازمند همکاری و تلاش های مشترک بین دولت، بخش خصوصی و جامعه هستند تا بتوان

توپ



عدالت

فائزه سادات ابراهیمی
دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی

اقتصادی



در زمین



آموزش و پرورش



بهبود قابل توجهی را در وضعیت اقتصادی طبقات جامعه شاهد بود.

اما نقش آموزش و پرورش در بسط عدالت اقتصادی چیست؟

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بسط عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش ذکر شده است. برای رسیدن به این هدف، این سند بر اهمیت توسعه مهارت‌های عملی و تخصصی دانش آموزان، آموزش‌های حرفه‌ای، ایجاد فرصت‌های شغلی، ارتقای سطح آموزشی کشور و توسعه فرهنگ کار و کارآفرینی تأکید دارد. همچنین، بر این نکته تأکید می‌کند که توسعه فناوری‌های نوین و ارتقای سطح تحصیلات، به شیوه‌ای که برای همه افراد مقدور باشد، یکی از راهکارهای بسط عدالت اقتصادی در آموزش و پرورش است.

این سند به اهمیت ارتقای سطح آموزشی معلمان و ایجاد فرصت‌های آموزشی برای آن‌ها توجه دارد، چرا که توانایی معلمان را از ملزومات افزایش کیفیت آموزشی می‌داند.

در حوزه آموزش و پرورش برای بسط عدالت اقتصادی می‌توان به این مثال‌ها اشاره کرد:

۱. ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و توزیع منصفانه آن: برای بسط عدالت اقتصادی باید این امکان را فراهم کرد که آموزش برای همه افراد، بدون تبعیض، ارائه شود. برای مثال، ایجاد مدرسه در مناطق محروم و تأمین تجهیزات و فناوری‌های آموزشی برای افراد کم‌درآمد، می‌تواند در وضعیت آموزشی آن‌ها بهبود قابل توجهی ایجاد کند. در حوزه توزیع منصفانه، برای مثال باید اطمینان حاصل شود که دختران و پسران در تمام سطح‌های آموزشی به‌طور برابر حضور داشته باشند و برای هر دو جنس تسهیلات و امکانات آموزشی در دسترس باشند. در بسیاری از کشورها، دختران به دلیل محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، از فرصت‌های آموزشی کافی برخوردار نیستند. در نتیجه از فرصت‌های اقتصادی و شغلی هم عقب می‌افتند (Malhotra & Mather, 1997:599-630). با توجه به این واقعیت، بسط عدالت اقتصادی باید به‌منظور تأمین فرصت‌های آموزشی برابر برای همه جنسیت‌ها رعایت شود.

۲. توسعه مهارت‌های عملی و شغلی: باید برنامه‌های آموزشی و پرورشی مناسبی طراحی و توسعه داده شوند تا بتوان مهارت‌های عملی و شغلی مورد نیاز بازار کار را به افراد کم‌درآمد آموزش داد.

توزیع منصفانه فرصت‌های آموزشی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای بسط عدالت اقتصادی است، زیرا به معنای رفع تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، بهبود شرایط اقتصادی و بهبود سطح زندگی جامعه است. برای کودکانی با شرایط متفاوت، مانند کودکان خانواده‌های محروم و فقیر یا دچار ناتوانی، کودکان ساکن مناطق محروم و مرزی و دیگر کودکان دارای شرایط خاص، باید فرصت‌های برابر آموزشی ایجاد کرد. برای تحقق این مهم می‌توانیم از دوره‌های آموزشی خاصی برای این کودکان استفاده کنیم تا شرایط ادامه تحصیل آن‌ها فراهم شود. همچنین، تدارک برنامه‌هایی برای کمک به این خانواده‌ها، به منظور پرداخت هزینه‌های تحصیلی کودکانشان و ایجاد فرصت‌های آموزشی برای آن‌ها نیز می‌تواند به تحقق بسط عدالت اقتصادی کمک کند.

نقش معلمان در بسط عدالت اقتصادی چگونه است؟

معلمان می‌توانند با ارائه آموزش و پرورش کیفی و مناسب، افراد را به دانش و مهارت‌های لازم برای شرکت در بازار کار و بالاتر از آن، زیست شهروندی، مجهز کنند (Sahlberg, 2006). و با این کار به تعادل در توزیع درآمد کمک کنند. همچنین، از طریق برنامه‌های آموزشی خود، به دانش آموزان بیاموزند که در جامعه باید از افراد با تفکر انعطاف‌پذیر و هوشمند حمایت کرد و به جای محروم کردنشان، به آن‌ها فرصت‌های برابر داد. این دیدگاه به ایجاد فرهنگی در جامعه کمک می‌کند که برای تحقق بسط عدالت اقتصادی بسیار اهمیت دارد. به علاوه، معلمان می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی درباره توانمندی‌های کارآفرینی و مدیریت مالی، به دانش آموزان آموزش دهند که چگونه می‌توانند در بازار کار موفق شوند و به تعادل در توزیع درآمد کمک کنند (Brunello & Schlotter, 2011).

بسط عدالت اقتصادی در آموزش و پرورش کشورهای دیگر نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه آموزش و پرورش مطرح است. در کشورهایی پیشرفته مثل فنلاند، کانادا و سوئد، بسط عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌های آموزشی شناخته شده است. در فنلاند، به‌طور مثال، تمرکز بر آموزش عمومی و تربیت شهروندانی است که مسئولیت‌های اجتماعی خود را به خوبی می‌دانند و به ایجاد فرهنگی از تقسیم‌بندی منابع عادلانه کمک می‌کنند (Sahlberg, 2007:259-287). علاوه بر این، در آموزش و پرورش فنلاند، به تربیت نیروی کار با مهارت‌های تخصصی و انعطاف‌پذیری بالا توجه می‌کند.

در کانادا آموزش و پرورش به عنوان یکی از ابزارهایی شناخته شده است که می‌تواند به تعادل در توزیع درآمد کمک کند (Gay, 2013:48-70). در آموزش و پرورش کانادا، به تربیت نیروی کار با مهارت‌های تخصصی و فرهنگ کارآفرینی توجه می‌شود.

سوئد در توجه به آموزش و پرورش، از طریق مدرسه، آموزشگاه‌های حرفه‌ای و دانشگاه‌ها، نیروی کار با مهارت‌های تخصصی بالا تربیت می‌کند و می‌کوشد افراد با توجه به نیازهای بازار کار، در رشته‌های مورد نظر تحصیل کنند. به این منظور، در سطح دبیرستان، دانش آموزان به صورت رایگان در دوره‌های حرفه‌ای و مهارتی، از جمله کارآموزی در صنایع و مشاغل گوناگون، شرکت می‌کنند. همچنین، در این کشور معیارهایی مانند شایستگی‌های اجتماعی و تنوع فرهنگی در فرایند آموزش و پرورش مورد توجه قرار می‌گیرند (پیشین). این رویکرد سوئد در آموزش و پرورش باعث شده است این کشور در سطح جهانی به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه بسط عدالت اقتصادی شناخته شود.

اکنون و پس از مطالعه این مقاله چه تعریفی از بسط عدالت اقتصادی در آموزش و پرورش در ذهن دارید؟

منابع

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
2. Schneider, F., Kallis, G., & Martinez-Alier, J. (2010). Crisis or opportunity? Economic degrowth for social equity and ecological sustainability. Introduction to this special issue. *Journal of cleaner production*, 18(6).
3. Wu, J., Guo, S., Huang, H., Liu, W., & Xiang, Y. (2018). Information and communications technologies for sustainable development goals: state-of-the-art, needs and perspectives. *IEEE Communications Surveys & Tutorials*, 20(3), 2389-2406.
4. Malhotra, A., & Mather, M. (1997, December). Do schooling and work empower women in developing countries? Gender and domestic decisions in Sri Lanka. In *Sociological forum* (Vol. 12). Kluwer Academic Publishers-Plenum Publishers.
5. Sahlberg, P. (2006). Education reform for raising economic competitiveness. *Journal of Educational change*, 7(4).
6. Brunello, G., & Schlotter, M. (2011). Non-cognitive skills and personality traits: Labour market relevance and their development in education & training systems
7. Sahlberg, P. (2007). Education policies for raising student learning: The Finnish approach. *Journal of education policy*, 22(2), 147-171.
8. Gay, G. (2013). Teaching to and through cultural diversity. *Curriculum inquiry*, 43(1).